

## میراث عرفانی شیخ محمود شبستری (معرفی و نقد کتاب فراسوی ایمان و کفر)\*

محمود یوسف ثانی\*\*

چکیده: این مقاله به معرفی و نقد کتاب فراسوی ایمان و کفر تألیف لئونارد لویزن و ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی می‌پردازد و ضمن معرفی کلی کتاب از هر فصل آن خلاصه‌ای را ذکر می‌کند. در این مقاله نکته قابل توجه این است که توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی زمانه هر متفکر چگونه می‌تواند در فهم عمیقتر و روشتر ما از اندیشه او مؤثر واقع شود. نویسنده مقاله در پایان چند نکته را در باب برخی آرای مؤلف کتاب و انتقاد از آنها مطرح می‌کند.

فراسوی ایمان و کفر عنوان کتابی است دربارهٔ احوال، افکار و آثار عارف بزرگ پارسی‌گوی ایرانی، شیخ محمود شبستری، که توسط آقای دکتر لئونارد لویزن محقق آمریکایی به رشته تحریر درآمده و توسط آقای دکتر مجدالدین کیوانی به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات نشر مرکز در سال ۱۳۷۹ ش. منتشر شده است.

---

\* Beyond Faith and Infidelity.

\*\* عضو هیأت علمی گروه عرفان اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

آقای دکتر لویزن مؤلف کتاب، زاده آمریکاست (۱۹۵۳) که در بیست سالگی در مقام مدرس زبان انگلیسی به ایران سفر کرد و چون به ادب و فرهنگ ایرانی - اسلامی سخت علاقه مند بود، در دانشگاه شیراز به تحصیل زبان و ادبیات فارسی، دین و تاریخ اسلام و جامعه‌شناسی پرداخت و موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته روابط بین‌الملل شد. علاقه به ایران‌شناسی او را رهسپار دانشگاه لندن نمود و در «مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی» به تحصیل ادبیات فارسی همت گماشت و در سال ۱۹۸۸ درجه دکتری خود را در رشته ادبیات فارسی احراز کرد. پایان‌نامه وی تصحیح انتقادی دیوان شاعر عارف سده هشتم شمس‌الدین محمد تبریزی معروف به شمس مغربی یا محمد شیرین مغربی بود. این اثر در سال ۱۹۹۳ به همت و همکاری دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا به چاپ رسید.<sup>۱</sup>

کتاب فراسوی ایمان و کفر حاصل تحقیقات و بررسی‌های این محقق ارجمند در باب احوال و بویژه افکار و اندیشه‌های شیخ شبستری می‌باشد - تا آنجا که نگارنده مطلع است، فعلاً بهترین و جامعترین اثری است که درباره شبستری نگاشته شده - و در آن با استناد به دهها کتاب و مقاله به زبانهای مختلف فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی زوایای گوناگون حیات فکری و محیط اجتماعی وی مورد پژوهش و مذاقه قرار گرفته و نکات بکر و بدیع فراوانی در آن در باب اندیشه‌های عرفانی به طور عام و ذهن و زبان شبستری به طور خاص مطرح شده است.

نکته مهم بنا به نوشته ناشر این است که مؤلف گذشته از تماس و رایزنی مستمر با مترجم در حین ترجمه کتاب، پس از پایان کار متن کامل آن را بازبینی و نکات اصلاحی و تدقیقی مهم را گوشزد کرده است. به گفته مترجم مؤلف در کمال کرامت و سعه صدر با ایشان همکاری نموده و به پرسشهای وی پاسخ مشروح می‌داده است و همین باعث دلگرمی مترجم می‌شده است. علاوه بر این، مقدمه‌ای ویژه ترجمه فارسی نگاشته و در آن تلاشهای مترجم و دقت نظر ایشان را ستوده و قدردانی کرده است:

اعتقاد دارم دکتر کیوانی حدّ اعلای کاری را که مترجم می‌تواند انجام دهد، انجام داده است... بنا بر این امیدوارم بخشی از حدت و عمق اندیشه مابعد طبیعی و عاشقانه شبستری از طریق ترجمه عالی دکتر کیوانی از کتاب من آشکار شده باشد و به این ترتیب گلشن راز همچنان برای خواننده

## امروزی ایرانی دریافتنی، جالب و زیبا بنماید.<sup>۲</sup>

عرفان و تصوف در حوزه تمدن اسلامی، تاریخ پرفراز و نشیب و در عین حال پربریگ و باری دار و شاید بتوان گفت یکی از برجسته ترین وجوه این تمدن را همین بعد عرفانی آن تشکیل می دهد. به گونه ای، که فهم حقیقی تمدن اسلامی بدون آگاهی از سیر تصوف و عرفان در آن ممکن نیست و شناختی ناقص و نارسا خواهد بود. از این رو، پرداختن به هر بخشی از این حوزه گسترده و وسیع و پرتو افکندن بر زوایای ناشناخته آن اقدام میمون و مبارکی است که می تواند ما را در وقوف بر مجموعه میراث فرهنگی خودمان و در عین حال بهره گیری از این میراث در مواجهه با طوفان برخاسته از دنیازدگی تمدن جدید، معد و ممد باشد. بویژه پرداختن به تعالیم عرفانه و رمانه سرشار از دغدغه کنونی و استفاده از چشم اندازهای گسترده آن در گشودن افقهای نو بر روی پیش و بصیرت مردم این عصر از مهمترین اولویتهای تحقیقی و پژوهشی محسوب می شود.

به گفته بسیاری از محققان تصوف و ادبیات فارسی شیخ محمود شبستری جزء ستارگان درخشان عالم اندیشه و عرفان اسلامی است که با خلق اثری مانا و ماندگار و در عین حال موجز و استوار همچون گلشن راز و گنجاندن خلاصه و زبده تعالیم صوفیانه در آن به نحو اعجاب آوری تسلط خویش را بر بیان اندیشه ها آن هم بیان موجزانه، به نحوی که در غالب موارد سرریز اندیشه از لفظ در آن هویداست، نشان داد. به همین دلیل و «به سبب لطف و دقتی که در بیان آن به کار رفته بود چنان در نزد صوفیه مقبول شد که در عصر صفویه گهگاه به منزله زبده تمام تعالیم صوفیه تلقی می شد و بسیاری از اهل معرفت اهتمام در شرح و تفسیر مطالب و نکات مبهم و مشکل آن را وجهه همت ساختند.»<sup>۳</sup>

شیخ محمود در نیمه دوم سده هفتم هجری در شبستر دیده به جهان گشود و هم در آنجا بدوود حیات گفت. بیشتر تذکره نویسان سال وفاتش را ۷۲۰ هجری و مدت عمرش را سی و سه سال نوشته اند که بنابراین ولادتش باید در حدود ۶۸۷ هجری باشد. ولی با تحقیقاتی که اخیراً محققان در برخی از منابع مربوط به احوال مشایخ و سلسله های متصوفه انجام داده اند، نشان داده می شود که تذکره نویسان در تعیین سال وفات و مدت زندگانی او به خطا رفته اند. بر اساس این تحقیقات سال وفات او را باید ۷۳۷<sup>۴</sup> یا اندکی پس از ۷۴۰<sup>۵</sup> بدانیم و بنابراین مدت عمرش

متجاوز از سی و سه سال خواهد بود.

دربارهٔ مشایخ و اساتید و همچنین سوانح زندگی اش نیز اطلاعات موثق و مفصلی در دست نیست. از گفتار خود شیخ در یکی از آثارش یعنی سعادت‌نامه چنین پیداست که وی مدتی از عمر خود را در سفر و ملاقات با مشایخ و بزرگان زمان خویش و خوشه‌چینی از خرمن معرفت آنها گذرانده و آثار مختلف عرفان و تصوف و از جمله دو کتاب مهم محی‌الدین بن عربی فصوص الحکم و فتوحات مکیه را نزد آنها قرائت کرده است. ولی پس از همهٔ این سفرها گوشهٔ آرام و دورافتادهٔ شبستر را بر محیط پر رونق خانقاههای تبریز - که خالی از روی و ریا و نقشبندی ظاهر نبود - ترجیح داده است.

شبستری مؤلف کثیرالتألیفی نیست و البته همهٔ آثار او نیز به دست ما نرسیده، ولی همین مقدار هم که از آثار او باقی است خبر از عمق و ظرافت اندیشه و ذوق و بینش درخور توجه او می‌دهد. آثار قطعی او را می‌توان گلشن راز، سعادت‌نامه (منظوم) و رسالهٔ حق الیقین (منثور) دانست.

اثری که عمدهٔ شهرت شبستری مدیون آن است و مورد توجه کثیری از محققان پس از او قرار گرفته، همان گلشن راز است. ولی اثری که در آن هم احوال شخصی او را بیشتر می‌توان یافت و هم از نظر زمان تألیف متأخر بر گلشن راز است، سعادت‌نامه می‌باشد که ضمناً مبین نوعی استحاله در اندیشهٔ او نیز هست. رسالهٔ حق الیقین دربارهٔ اصول مسائل عرفانی است که به شیوهٔ اشعة‌اللمعات عراقی تصنیف شده و در آن نیز در عین رعایت ایجاز عالیترین مباحث عرفانی مطرح شده است. شخصیتی که از شیخ در خلال این آثار ظهور می‌کند، شخصیتی است صاحب اندیشه‌های بلند و رفیع که در باب مهمترین مسائل مربوط به انسان و جهان و سرشت و سرنوشتشان، آرای عمیق و درخور توجهی دارد. لویزن در کتاب فراسوی ایمان و کفر افکار شبستری را عمدتاً متأثر از چهار چهرهٔ برجستهٔ تصوف و عرفان یعنی ابن عربی، غزالی (البته با تأکید بر جنبه‌های عارفانه و صوفیانه در تعالیم او) عطار و مولوی می‌داند و البته این تأثیر را در آثار دیگر او متفاوت می‌یابد. مثلاً معتقد است که در رسالهٔ حق الیقین و منظومهٔ گلشن راز مولوی و ابن عربی و در منظومهٔ سعادت‌نامه غزالی بیشتر ظهور دارند.

نکتهٔ جالب توجه این است که شبستری علیرغم آنکه مهمترین اندیشه‌های خود را در قالب

نظم بیان کرده و مشهورترین اثر او یعنی گلشن راز را نیز در همین قالب پدید آورده است؛ چندان از شاعری دل خوشی ندارد و شأن و مرتبه خویش را برتر از شاعری می‌داند و روی آوردن به این فن را تنها به ضرورت زمانه و خوشایندی و سازگاری طبایع و اذواق روزگار خود با این قالب می‌داند و می‌گوید:

گر ضرورت نبود این ابیات      کی ز من صادر آمدی هیهات  
مردم عصر شعری جوی بُدند      علما نیز شعرگوی شدند

ولی چون معتقد بود که شعرش در خدمت بیان معانی عرفانی است و چون «به هر ظرفی درون معنا ننگند» از خواننده پوزش می‌طلبد که به چنین روشهایی متوسل شده و روح حیات بخش را به خاطر حرف کم بها به سویی افکنده است:

مرا از شاعری خود عار ناید      که در صد قرن چون عطار ناید  
کرین طور و نمط صد عالم اسرار      بود یک شمه از دیوان عطار  
شبستری گرچه در گلشن راز در چهره عارف وسیع المشربی که به طور کلی رها از قید ظواهر و پای بستهای مجازی جلوه می‌کند، چنان که در همین منظومه می‌گوید:

مسلمان گر بدانستی که بت چیست      بدانستی که دین در بت پرستی است  
وگر مشرک ز بت آگاه گشتی      کجا در دین خود گمراه گشتی  
نشدید او از بت الا خلق ظاهر      بدان علت شد اندر شرع کافر  
تو هم گر زو نبینی حق پنهان      به شرع اندر نخواندند مسلمان

ولی در سعادت‌نامه به دلایلی که پژوهندگان اندیشه‌های شبستری بر سر آنها اتفاق نظر ندارند تا حدودی از این وسعت مشرب عارفانه عدول می‌کند<sup>۶</sup> و بیشتر به اثبات و تثبیت مواضع کلامی خود و دفاع از اندیشه‌های مسلک اشعری و اظهار مخالفت با اصحاب سایر فرق بویژه فلاسفه و رافضیان [شیعیان اسماعیلی] می‌پردازد. اینجاست که رد پای غزالی را در اندیشه او به خوبی می‌توان دنبال کرد و تشخیص داد. در بخشی از این منظومه ضمن برشمردن نام فیلسوفان و شاعرانی که به زعم وی از راه راست منحرف شده‌اند؛ ناصر خسرو قبادیانی، شاعر آزاده ایرانی، را جزء منحرفان به شمار آورده و درباره او چنین می‌گوید:

هست از این قوم ناصر خسرو      که کند کهنه بدعتی را نو

و علی الجملة فتنه ناصر  
ظلمت و کفر جمع کرده تمام  
نستوان کرد هیچ باطل راست  
هست در جمله جهان ظاهر  
«روشنی نامه» کرده آن را نام  
قائلش گر چه بوعلی سیناست

به گفته لویزن اگرچه خشم شبستری مسلماً واقعی است، داوری ضعیف وی دربارهٔ خلق و خوی و شعر ناصر خسرو جنبهٔ تنگ‌نظرانه و تعصب‌آمیز شخصیت او را نشان می‌دهد که چندان با روحیهٔ انسان‌گرایانهٔ جهان شمول سرایندهٔ گلشن راز هماهنگی ندارد.<sup>۷</sup> این گونه اظهارات ثابت می‌کند که حال و هوای اشعار شبستری از جو سیاسی و روحیهٔ خداشناختی روزگارش جدا نبوده به طوری که گلشن راز را می‌توان منعکس‌کنندهٔ تسامح صوفیانهٔ رشیدالدین و غازان خان دانست و سعادت‌نامه را باید ثمرهٔ سرسختی امیر چوپان و ابوسعید در موضوعات کلامی به شمار آورد.

رسالهٔ حق‌الیقین که رساله‌ای منثور است، مشتمل بر هشت باب می‌باشد که هر باب به نوبهٔ خود به بخشهای کوچکتری با عناوین حقیقت، تمثیل، تبصره، فرع، نتیجه، لازمه و مانند آن تقسیم می‌شود. حق‌الیقین به شدت متأثر از اندیشه، شیوهٔ بیان و واژگان ابن عربی است و به گفتهٔ یکی از محققان:

این رساله در نوع خود لااقل در زبان پارسی بی‌نظیر است و اگر سوانح شیخ احمد غزالی را از شاهکارهای عرفان عاشقانه به زبان فارسی بدانیم، حق‌الیقین را نیز می‌توانیم یکی از بهترین متون اصلی عرفان نظری در این باب قلمداد کنیم.<sup>۸</sup>

سه اثر دیگر به نامهای کنزالحقایق، مراتب العارفین، مرآت المحققین که در ضمن مجموعهٔ آثار شبستری به چاپ رسیده، چنان که مؤلف کتاب ما متذکر شده، بسیار بعید می‌نماید که از شبستری باشد و قرائن و امارات جدی در باب این استبعاد وجود دارد.<sup>۹</sup> لئونارد لویزن در فصلهای اول و دوم کتاب خود عمدتاً به بررسی شرح حال و آثار شبستری که در سطور پیشین اشاره شد، می‌پردازد و در بخش سوم با عنوان «محیط سیاسی ایران عصر مغول» بیشتر اوضاع تاریخی و اجتماعی عصر شبستری را که در واقع عصر فرمانروایی ایلخانان مغول است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این فصل به خوبی روشن می‌شود که تحولات سیاسی و

اجتماعی تا چه حد می‌توانند به نحو مؤثر و ملموس در موضع‌گیریهای فرهنگی و فکری متفکران و اندیشمندان جامعه مؤثر باشند و گاهی آنها را تا سرحد داشتن مواضع متعارض و متناقض پیش برانند.

فصل چهارم کتاب با عنوان «محیط عرفانی» ضمن ارائه چشم‌اندازی از محیط عرفانی روزگار شبستری به بررسی مشایخ و خانقاهها در شعر او می‌پردازد. بنا به گفته محققان و تاریخ‌نگاران ادب فارسی دوره سيطرة مغولان هرچند که از نظر اجتماعی و اقتصادی از دوره‌های تاریک تاریخ ایران است و حمله مغول بی‌شک زیانبارترین آسیبی است که در طول تاریخ ایران بر مردم این سرزمین رفته است ولی حکومت مغولان آثار دیگری هم داشت که به جهات مختلف باید مورد توجه واقع شود. یکی از مهمترین این آثار استقرار اسلام در ایران بر بنیادی صوفیانه بود، آن هم به این دلیل که آیین به هم ریخته شمنی مغولان از همان آغاز به هیچ وجه آیینی بسته و انحصاری نبود، بلکه مغولان به دلیل روحیه تسامح و بی‌تفاوتشان به «همه ادیان» معروف بودند.<sup>۱۰</sup> در این دوره تصوف با کلیه آداب و رسوم رایج بود و کثرت تعداد خانقاهها و موقوفات فراوان که به آنها اختصاص یافته بود (و در کتابهای ادبی و تاریخی بازمانده از این دوره اسامی بسیاری از آنها با مشخصات و خصوصیات ثبت و ضبط شده) نشانگر این معناست. بویژه در تبریز که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی موقعیتی خاص و از جهت فرهنگی نیز وضعیتی ممتاز داشته و از طرفی چون به صورت مقرر فرمانروایی خانان مغول درآمده بود، این امر ظهور و بروز بیشتری داشت.

مشایخ بسیاری در خود تبریز و شهرهای مجاور آن سکونت داشتند و به ارشاد و هدایت مریدان مشغول بودند. در عین حال در کنار این مشایخ طریقت که به راستی متصف به زهد و ارستگی بودند، مردشان سالوس و ریاکار هم وجود داشتند که در واقع ظواهر و آداب طریقت را ابزاری برای دستیابی به مطامع دنیوی قرار داده بودند. مؤلف در این فصل به خوبی این فضای متنوع فرهنگی را ترسیم کرده و جریانهای مختلف فکری آن را بازنمایانده است.

فصل پنجم با عنوان «شبستری و ابن عربی» به بررسی تأثیرات اندیشه محی‌الدینی بر آرای شبستری می‌پردازد و با این بیت سعادت‌نامه او شروع می‌شود:

از فتوحات و از فصوص حکم      هیچ نگذاشتم ز بیش و ز کم

به گفته لاهیجی شارح معروف گلشن راز هر بیت این منظومه فشرده و موجز ولی چون بلور شفاف به بخشی از عرفان شیخ اکبر اشاره دارد. مباحثی همچون وصال عارف، عالم صغیر و انسان کامل، نبوت و ولایت و مانند آن که در گلشن راز مطرح شده به وضوح متأثر از آرای ابن عربی است و این تأثیر بویژه در شرح لاهیجی به خوبی آشکار و ظاهر می‌شود. به گفته استاد زرین‌کوب:

تأثیر اقوال محی‌الدین عربی در اکثر مواضع گلشن راز مخصوصاً از طرز تلقی او از مباحث وجود و ظهور و عدم و فیض و امثال آن پیداست و اینکه در سعادت نامه از سابقه تامل در فتوحات و فصوص الحکم سخن می‌گوید سرسری نیست. از این جمله فی‌المثل قول به آنکه عالم به مثابه جسم و تنی است که آدم روح اوست یادآور قول شیخ محی‌الدین است و در فص آدمی از فصوص الحکم که شیخ اکبر در آنجا می‌گوید عالم شیء مستوی است که در آن روح نیست و آدم عبارت از روح آن است.<sup>۱۱</sup>

عنوان فصل ششم «زیباشناسی و علم تأویل شبستری» است و این بیت را بر پیشانی خود دارد:

لفظ چون و کَر است و معنی طایر است جسم جوی و روح آب سایر است  
مؤلف در این فصل دو دیدگاه را در بررسی سنت نمادگرا در شعر صوفیانه فارسی کلاسیک مطرح می‌کند. یکی بن مایه‌های صوفیانه را در غزل و اشعار صوفیانه پوششی کاذب برای شهوت‌انگیزی می‌داند و خصلت فلسفی و مثالی شعر را رنگ و لعابی بر رمانتسم کفرآمیز به شمار می‌آورد؛ دیدگاه دوم به شعر صوفیانه به صورت عملی ارتباطی منبعث از عالم مثال یا عالم معنی نظر می‌کند و آن را عبارت از معانی دقیقاً نمادینی می‌بیند که به وجهی نظام‌مند و در سطحی کاملاً هشیارانه عمل می‌نماید. وی معتقد است که هر چند محققانی همچون توشیهیکو ایزوتسو، سید حسین نصر و هانری کرین معتقدات و تعالیم فلسفی ایرانی را از منظر دوم بررسی کرده‌اند، هیچکس شعر متافیزیکی فارسی را از این دیدگاه ارزیابی نکرده است.<sup>۱۲</sup> در این فصل مسائلی همچون ذوق، تخیل، استفاده از تمثیلات و کنایات برای بیان معانی روحانی و معنوی، چگونگی عبور از عشقهای مجازی به عشق حقیقی و مباحثی از این قبیل مطرح می‌شوند.



مؤلف زیربنای ابیات شبستری را تعالیم مربوط به فلسفه عشق و جمال می‌داند که نخستین بار در تصوف ایرانی از سوی احمد غزالی در سوانح به تفصیل معرفی شد، سپس بعد از زمان ابن عربی، عراقی شرحی در حال و هوای نظریات وی در لمعات آورد و سرانجام خود شبستری آن فلسفه را در حق الیقین تشریح کرد. بر این اساس نظریه زیباشناختی شبستری نه بر تحقیق در بلاغت و عروض بلکه بر علم احوال عارفانه مبتنی است. زیباشناسی شبستری زیباشناسی مستی، وقوف بر غیر محسوسها و فراطبیعیها و ظرافت طبع خود دل است. آن زیباشناسی و درک حسن و خوبی که چشم و گوش ظاهری تنها بینندگان و مستمعان خاموش آنند نه شرکت‌کنندگان حاضر و آماده. این فصل با نقل ابیاتی از شمس مغربی دربارهٔ نمادگرایی در شعر صوفیانه خاتمه می‌یابد.

هفتمین فصل با عنوان «فکر دل» با بررسی تفکر در تعالیم صوفیانه در سده‌های میانه آغاز می‌شود و در آن نظریات غزالی، نسفی، مولوی، ابن عربی و نهایتاً آرای خود شبستری در باب تفکر مطرح می‌گردد. در این فصل روشن می‌شود که مفهوم تفکر نزد شبستری ماهیتاً با تعریف معمول آن تفاوت دارد و منظور او از تفکر، کشف (درک شهودی مستقیم از حقیقت) است، نه استدلال که عبارت است از فرآیندی فکری که به کمک آن شخص سعی می‌کند بر اساس چیزی معلوم به نامعلوم برسد.<sup>۱۳</sup> در این دیدگاه تفکر مستلزم فقدان خودآگاهی است تا اینکه طبیعت فناپذیر تعین خود مدرک عملاً متحقق گردد. به بیان ایزوتسو:

تجربه‌ای هستی‌شناختی و متافیزیکی با ماهیتی خارق‌العاده اما دارای حد و مرزی مشخص است که در مرتبهٔ فراتجربی آگاهی رخ می‌دهد.<sup>۱۴</sup>

لذا تفکر به عنوان یک انضباط روحانی غیر قابل تفکیک از ذکر است زیرا تجربهٔ فناء نفس که برای عارف حاصل می‌شود نتیجهٔ فرعی ذکر خداوند است که تجلی او بر علم و آگاهی عارف غالب می‌شود و او را در بحر وحدت الهی غرق می‌سازد. مؤلف در این فصل که شاید دلکش‌ترین فصول کتاب باشد ضمن بررسی تفکر به معنای مشائی آن و بیان ایرادات عرفا و از جمله شبستری بر آن، تنها راه دستیابی به حقیقت را از نظر شبستری تخلیهٔ دل و تصفیهٔ باطن می‌داند که همان رفتن از باطل به سوی حق است

تفکر رفتن از باطل سوی حق      به جزء اندر بدیدن کل مطلق

آخرین بخش این فصل تفکر از منظر حیرت است. به این معنا که حتی با وجود یک چنین وسیله نیرومندی که نفس انسانی از آن برخوردار است در برابر ذات الهی ناتوان به نظر می‌رسد و در واقع نمی‌تواند به عرصه‌ای که پدیدآورنده و سبب تفکر است، راه یابد. به گفته شبستری:

غایت علم و ادراک عدم ادراک است، چون مدرک غیرمتناهی است و علم متناهی. در اینجا سالکی که با هدایت شیخ به طریزی روشمند سلوک کرده، درمی‌یابد که تنها علامت طریق حق حیرت است که در حکم نقشه‌ای ساده و خالی از نقش است.

فصل پایانی کتاب با عنوان «فراسوی ایمان و کفر» به بررسی ویژگیهای کل‌گرای شهودی شبستری اختصاص دارد. این فصل با بررسی مفهوم ایمان در کلام اسلامی آغاز می‌شود سپس تفاوت‌های ایمان و اعتقاد مطرح می‌گردد و در ادامه ایمان از منظر عرفانی و نگاه عرفا مورد توجه قرار می‌گیرد. پس از آن مفهوم کفر در تصوف سنتی، سنت ادبی کفریات، نظریه حلاج درباره کفر و تطبیق معنایی مفهوم کفر از سوی ابن عربی مطرح می‌شود و نهایتاً ایمان از نظر شبستری با عنوان «کافر مسلمان» مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان مؤلف از زبان شبستری می‌گوید:

مسلمان بودن مستلزم آن است که به دیگران احترام بگذارید، به نظام‌های اعتقادی آنان وارد شوید و بکوشید خدای آنها را درک کنید، هر قدر هم که این خدا با حقیقت یا مفهومی که شما از خدا دارید، بیگانه باشد.<sup>۱۵</sup>

در پایان این مقال ذکر چند نکته پیرامون برخی از نظریات مؤلف، خالی از فایده نیست:

۱- دیدگاه مؤلف درباره رواج تصوف در دوره ایلخانان مغول که عمدتاً ناشی از روحیه تساهل‌گرا و تسامح‌جوی مغولان می‌باشد با این دیدگاه رایج که گرایش به تصوف در این دوره را - که در واقع یک عکس‌العمل روانی در مقابل فشارهای موجود خارجی است - معلول وضعیت خاص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌داند، متعارض است و در ظاهر اصل مسأله به تأمل بیشتری نیاز دارد.

۲- در صفحه ۲۷۴ می‌گوید: اینکه بسیاری از محققان، مکتب ابن عربی و پیروان او صدرالدین قونوی و شبستری را از مکتب رومی جدا می‌کنند و «تصوف بحثی» ابن عربی را با

«تصوف» به اصطلاح «ذوقی» و «شهودی» رومی در برابر هم قرار می‌دهند، بسیار ساختگی و در حقیقت ناموافق با روح گلشن راز است. همچنان که خود مؤلف می‌گوید این سخن بسیاری از محققان است و البته در رد سخن بسیاری از محققان باید با احتیاط بیشتری سخن گفت (مثلاً از جمله این محققان علاوه بر مرحوم زرین‌کوب، یکی هم استاد سید جلال‌الدین آشتیانی است، در مقدمه‌ای که بر ترجمه شرح مثنوی نیکلسون مرقوم فرموده‌اند).<sup>۱۶</sup> همان گونه که مؤلف این رأی محققان را در واقع ناشی از عدم توجه به روح حاکم بر گلشن راز می‌داند، آرای خود او نیز با روح حاکم بر مثنوی جلال‌الدین ناسازگار باشد.

۳- به نظر می‌رسد مطالب فصل پایانی کتاب در خصوص ایمان محمود شبستری که عمدتاً بر محور نظریات او در گلشن راز صورت گرفته است، با توجه به آرای وی و در سعادت‌نامه که متأخر بر گلشن راز سروده شده است، چندان مطابق واقع رأی شبستری نباشد و نتواند به عنوان حقیقت نظر او در این باب موافق باشد ولی شاید چون با مذاق مؤلف سازگارتر بوده، به این ترتیب مطرح شده است.

کتاب از برخی اغلاط مطبعی هم خالی نیست که ذیلاً برخی را متذکر می‌شویم:

ص ۳۰، س ۱۷ «که تا اکنون» صحیح است.

ص ۷۵ یادداشت شماره ۱۲۲ «مشبهه کرامی» صحیح است.

ص ۹۷ س آخر «اصلاحات» صحیح است.

ص ۱۰۵ س ۳ «اعدام کرد» صحیح است.

ص ۲۶۱ س ۷ «سروده شده است» صحیح است.

ص ۲۶۵ س ۷ «گمّل» صحیح است.

ص ۳۲۱ س ۱۸ «ایقاًظاً» صحیح است.

#### یادداشتها:

(۱) رجوع کنید به: لئونارد لوپیزن، فراسوی ایمان و کفر، ترجمه مجدالدین کیوانی، مقدمه مترجم، صص ۱ - ۲.

(۲) همان، ص ۱۲.

(۳) عبدالحسین زرین‌کوب، جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۳۱۳.

- ۴) صمد موحد، شیخ محمود شبستری، طرح نو، ۱۳۷۷، صص ۱۳ - ۱۴.
- ۵) لئونارد لویزن، همان، ص ۱۹.
- ۶) صمد موحد در کتاب شیخ محمود شبستری این افکار را صرفاً ناشی از تعصب می‌داند و البته به بررسی دلایل این تغییر موضع عقیدتی در شبستری نمی‌پردازد. ولی مؤلف کتاب فراسوی ایمان و کفر در فصل مشبعی ریشه‌های اجتماعی این تغییر عقیده را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ۷) لئونارد لویزن، همان، ص ۴۴.
- ۸) حق‌الیقین، به کوشش دکتر جواد نوربخش، ص ۸: به نقل از: لئونارد لویزن، همان، ص ۶۱.
- ۹) لئونارد لویزن، همان، صص ۶۵ - ۶۷.
- ۱۰) دیوید مورگان **Medieval Persia** ص ۵۳، به نقل از: لئونارد لویزن، همان، ص ۱۲۲.
- ۱۱) عبدالحسین زرین‌کوب، نقش بر آب، معین، ۱۳۶۷، ص ۲۶۱.
- ۱۲) لئونارد لویزن، همان، صص ۲۳۹ - ۲۴۰.
- ۱۳) توشیهیکو ایزوتسو، «تناقض‌نمای نور و ظلمت در گلشن‌راز»، شبستری، ص ۳۰۳ به نقل از: لئونارد لویزن، همان، ص ۳۰۴.
- ۱۴) همان، ص ۲۹۱، به نقل از: لئونارد لویزن، همان، ص ۳۰۶.
- ۱۵) لئونارد لویزن، همان، ص ۳۸۳.
- ۱۶) شرح مثنوی معنوی (دفتر اول)، رینولد نیکلسن. ترجمه حسن لاهوتی با مقدمه استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی